

ویلیام چیتیک و کتاب امام سجاده (ع)

دیدگاهی برون‌دینی درباره صحیفه سجادیه

اشاره

ویلیام چیتیک یکی از اسلام‌شناسان بزرگ غربی است که تاکنون مطالعات زیادی درباره عرفان اسلامی انجام داده است. از جمله کارهای مهم وی ترجمه صحیفه سجادیه، کتاب دعای منسوب به امام زین‌العابدین از زبان عربی به زبان انگلیسی است. او مقاله‌ای را در مقدمه ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه نگاشته است. چیتیک، ضمن توضیحی کوتاه درباره امام زین‌العابدین و نیز تبیین جایگاه دعا و مناجات در اسلام، کوشیده تا یک بحث تاریخی کوتاه درباره سندها و نسخه‌های مختلف صحیفه ارائه کند. همچنین تحلیلی محتوایی نیز از ساختار ادعیه و مناجات‌های موجود در صحیفه ارائه کرده است.

می‌نویسد: صحیفه اسلوب عبادت خوانده شده است. اما ممکن است این نام برای خواننده غربی تا حدودی گمراه کننده باشد؛ چرا که او با عبادات مختلف در اسلام آشنا نیست.

چیتیک معتقد است بهترین راه آشنایی با این موضوع - همچنین با متن صحیفه سجادیه - کتاب نبایش‌های مسلمانان یادویک است، که ضمن تحلیل موضوع اصلی و مشترک همه ادعیه‌ها بسیاری از عبارات مهم عربی آن را نیز شرح می‌کند. با نظر داشت این مسئله، عدم توجه وی بدین بخش قابل چشم‌پوشی است. تنها چند عبارت مختصر درباره جایگاه دعا در دایره وسیع عبادات اسلامی می‌آورد و اهمیت صحیفه را در فهم اسلام متذکر می‌شود.

وی عبادت را در اسلام به دو بخش واجب و مستحب تقسیم می‌کند و می‌نویسد: واجبات شامل آداب یومیه مثل نماز است که پیامبر(ص) آن را ستون دین نامید. ما در این جا بدان‌ها نمی‌پردازیم. هیچ چیز جز شهادتین (لا اله الا الله، محمد رسول



ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه همراه با ملحقات، دعا‌های ایام هفته، مناجات خمسۀ عشر و رسالۀ الحقوق امام سجاده(ع)، از آثار ارزشمند ویلیام چیتیک است که نقشی به‌سزا در معرفی صحیفه سجادیه در سطوح جهانی داشته است.

چیتیک بر این ترجمه، مقدمه‌ای نسبتاً مبسوط نگاشته است و درباره امام سجاده(ع)، صحیفه و نسخه‌های خطی و شروح آن، دعا در اسلام، توحید، درخواست از خدا، اسماء‌الحسنی، شکر نعمت‌ها و مطالبی از این دست، سخن گفته است. این ترجمه، ابتدا توسط «بنیاد محمدی» در انگلستان و سپس

از سوی انتشارات انصاریان قم، به‌طور افست منتشر شد. اهمیت این گفتار در آن است که دیدگاهی برون‌دینی درباره صحیفه را نشان می‌دهد.

چیتیک بعد از بیان جملاتی در رابطه با نام این کتاب، شخصیت بزرگواری که آن را نگاشته و متن عربی آن، در رابطه با موضوع عبادت در اسلام سخن می‌گوید. وی در این بخش



الله) بر نمازهای روزانه مقدم نیست. هر مسلمان باید نمازهای یومیه را بجا آورد. تنها کودکان و زنانی که شرایط طهارت را ندارند از انجام آن معافند. حتی انسان علیل هم مشروط به عاقل بودن باید آن را به جای آورد. چنین افرادی اگر در انجام برخی حرکات ناتوان باشند، عذرشان پذیرفته است. خواندن نماز یکی از دستورات مؤکد قرآنی است.

وی در بخشی دیگر از این مجال عنوان می‌کند که: همه بر اهمیت ذکر واقف بوده و تأکید می‌کنند که پیامبر(ص) دائماً بر آن مبادرت داشت. اما او خود برای ذکر روش خاصی را مقرر ساخت و به شیوه‌های گوناگون به انجام آن می‌پرداخت و به اصحابش

نیز بر حسب نیاز آنان اشکال متنوع آن را آموزش داد.

وی می‌نویسد: منابع متقدم بر قدرت ذکر در برآوردن حوائج معنوی و روحانی انسان و تأثیر آن بر حیات وی تأکید کرده‌اند. فهم این نکته دشوار نیست که آثار ذکر «با رحمن و یا رحیم» با «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» متفاوت است. عالمان ربانی برای حالات گوناگون روحانی، ادکار مختلفی را توصیه کرده‌اند.

وی در بخشی می‌آورد: بخش خصوصی زندگی بزرگان دین از آنجا که آنان به عنوان نمونه‌های رفتاری برای دیگران عمل می‌کرده‌اند حالت عمومی به خود گرفته است. سنت پیامبر(ص) دقیقاً برترین مثال کمال انسانی است که همه باید از آن متابعت کنند. دعاهایی

که پیامبر(ص) می‌فرمودند نیز جزو سنت وی است. وقتی وی با صدای بلند دعا می‌کرد اصحاب می‌توانستند آن دعاها را حفظ کنند. آن‌ها هم‌چنین به نزد وی آمده و از حضرتش تقاضای دعا می‌کردند تا در مواقع و حالات مختلف به تلاوت آن بپردازند.

وی می‌نویسد: همه بر اهمیت ذکر واقف بوده و تأکید می‌کنند که پیامبر(ص) دائماً بر آن مبادرت داشت. اما او خود برای ذکر روش خاصی را مقرر ساخت و به شیوه‌های گوناگون به انجام آن می‌پرداخت و به اصحابش نیز بر حسب نیاز آنان اشکال متنوع آن را آموزش داد.

وی در بخشی از این مقدمه عنوان «شکل نیایشی توحید را مطرح کرده و می‌نویسد: وقتی صحیفه مقابل‌مان است، یکی از تابناک‌ترین آثار معنوی اسلام را در پیش رو داریم که مملو از حس مهربانی، رحمت و عظمت خداست و ناچیزی فوق‌العاده

آدمی را در برابر خالقش به تصویر می‌کشد. ما در صحیفه معنویت یا آن بخش از دین اسلام را می‌بینیم که به روابط درونی انسان با خدا می‌پردازد، که به جهانی‌ترین و فراگیرترین زبان‌ها اشتیاق ناتمام روح برای کمال را بیان کرده است.

چیتیک می‌نویسد: چنان‌که اولیای اسلامی در طول قرون تأکید کرده‌اند، توحید، پیام جوهری قرآن است. صحیفه نمونه برجسته و ویژه‌ای از وجه شخصی و علمی این پیام جوهری است. روش صحیفه با بیان عقلی صرف الهیاتی متفاوت است. آوردن صفات مثبت انسانی و اقرار بر آن که آن را خداست، موضوع اصلی صحیفه است.

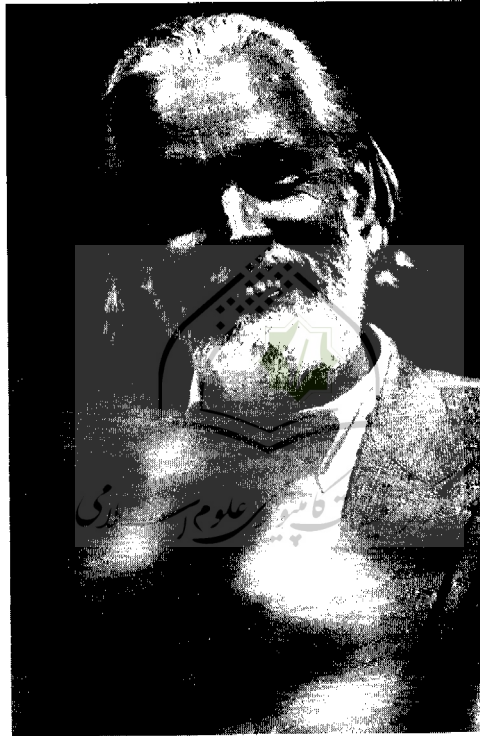
وی می‌نویسد: کمال این منظر

آن‌جاست که همه صفات منفی به نفس انسانی تعلق می‌یابد: «هیچ بدی نیست مگر در من، غروری نیست جز در نفسم، بی‌صبری نیست جز در نفسم، نادانی نیست جز من، نقرتی نیست جز در من». اولیای دین «آدم و حوا» را هنگامی که آنان از امر خدا نافرمانی کردند و اظهار داشتند که «رینا ظلمنا انفسنا» به عنوان نمونه‌های طلب غفران و اقرار نشان داده‌اند. در مقابل، شیطان که نفس انسان مظهر گرایش یع تکبر، خودمحوری و بی‌اعتنایی بود به خدا گفت: «فبما اغویتینی» منش پیامبرانه نسبت دادن هرگونه شر، گناه، خطا، لغزش، فروافتادن، غفلت و قصور به خود است. در حالی که روش شیطان نسبت دادن این‌ها به خدا و دیگران است. اظهار آن که خدا مسئول است

نشان اوج بی‌ادبی و جهل انسان است؛ زیرا که به معنای نفی نفس انسان دقیقاً در جایی است که تأثیر واقعی بر ماهیت اشیا دارد. جایی که شیطان وارد آدم می‌شود.

وی معتقد است: منظری که آدمی در آن از خدا متفاوت می‌شود، برای زندگی روحانی مهم است. انسان به تفاوت بندگی مخلوق بودن، نقصان و معصیت خود باید آگاه باشد تا شرط بندگی را به جای آورد. چنان‌که پیامبر(ص)، نخست «عبده» و سپس «رسوله» بود. پس آدمی قبل از مظهریت هر چیزی از جانب خدا، نخست باید بندگی خویش را کامل کند.

چیتیک می‌نویسد: علم و شناخت کامل از خدا، مرتبط با به علم به جدایی و تفارق از اوست. قرآن می‌فرماید: «انما یخشی الله من عباده العلما» تنها بندگان عالم، خشیت خدا را دارند. کسی که معرفت بالایی از خدا و خود دارد، طبعاً خوف و خشیت بیشتری از



گفتن «من» و غرور و کبر نهفته در آن دارد. اولیای خدا بیش از دیگران از او خائفند.

چیتیک معتقد است: منظری که آدمی در آن از خدا متفاوت می‌شود، برای زندگی روحانی مهم است. انسان به تفاوت بندگی، مخلوق بودن، نقصان و معصیت خود باید آگاه باشد تا شرط بندگی را به جای آورد. چنان که پیامبر(ص)، نخست «عبده» و سپس «رسوله» بود. پس آدمی قبل از مظهریت هر چیزی از جانب خدا، نخست باید بندگی خویش را کامل کند.

وی دعای پیامبر(ص) و ائمه(ع) بر غفران خویش را منافات با امر عصمت نمی‌داند و می‌نویسد: این که پیامبر(ص) و ائمه(ع) همراه با نهایت خلوص برای مغفرت دعا می‌کردند، تناقضی با عصمت آنان ندارد؛ چرا که گناه در این‌جا شامل تماثل به عدم اطاعت از فرمان الهی می‌شود نه غیر از خدا بودن. علما، دائما به مراتب عصمت و تقوی پرداخته و تأکید کرده‌اند که «حسنات الابرار، سیئات المقربین». به دلیل تفاوت احوالات روحانی سالکین، حداقل سه مرتبه برای هر کیفیت مثبت انسانی متمایز شده است. مثال توبه و استغفار می‌تواند روشن‌گر این معنا باشد.

چیتیک می‌نویسد: امام دانا در صحیفه از خداوند توفیق توبه مسئلت می‌کند که می‌تواند به معنی بازگشت به سوی خدا از طرُق اطاعت و پرهیز از نافرمانی باشد، اولیای متأخر از تعلق مرتبه نخست توبه به عموم مؤمنان که با شکستن قوانین شریعت مرتکب گناه می‌شوند، سخن می‌گویند. به بیان دیگر توبه آنان متعلق به سطح افعالی است که در شریعت بدان امر شده، اما آنان از خداوند تقاضای بخشش هرگونه عمل مخالف با شریعت را می‌کنند.

مرتبه دوم توبه، ویژه انانی است که حیات خود را برای خدا خالص کرده و لحظه‌های بیداری خود را صرف مراقبت در جزئیات شریعت و انجام سنت می‌کنند. چنین افرادی، که می‌توان آن‌ها را متقی نامید، مشکلی در پیرویز دستورات و یا منهیات شریعت ندارند، آنان توجهشان را به وضع درونی که باید منطبق با فعل بیرونی باشد معطوف می‌کنند. آن‌ها از غفلت روح و عدم استطاعت ذکر با کمال حضور استغفار می‌کنند.

مرتبه سوم، مختص اولیای الهی است. از آن‌جا که آنان چیزی جز اراده خدا، هدایت و رحمت او در هیچ عمل و فکری نمی‌بینند، از گناهان درونی و بیرونی گذشته‌اند. اما آنان هنوز سدی بزرگ میان خود و خدا دارند که «خورشان»؛ یعنی حجاب اکبر است. خدا به آنان معرفت‌الله و معرفت‌النفس عطا کرده است، پس آنان دریافته‌اند که «من» هیچ‌گاه نمی‌تواند کاملاً معصوم یا بی‌گناه باشد. آن‌ها از نقصان خود به عنوان مخلوق توبه کرده و برای بودنشان به عنوان وجود جداگانه طلب مغفرت می‌کنند.

چیتیک معتقد است ادبیات نیایشی این وجه درونی را به طور برجسته‌ای در سلوکی عملی بیان می‌دارد. تلاش برای شکل

دادن به روح بر اساس نمونه‌های آشکار، البته هیچ تناقضی (بیش از آن‌چه که، میان قهر و رحمت وجود دارد) در باور به خدا به عنوان «متبال» و نظر به او با مفهوم حضور فراگیرش وجود

ندارد. خداوند خود را به اشکال مختلفی می‌نماید و در بازگشت این اشکال طالب ادراکات عقلی و پاسخ‌های روانی متفاوتند.

وی می‌نویسد: وقتی که نظام مدون و تأسیس شد، پاسخ انسان به خودنمایی خداوند در قرآن بر حسب استبدادات و شرایطش بر طریق خاصی صورت می‌گیرد تا بقیه طرق، زمانی فقه، وقتی دیگر کلام، گاهی تصوف و مانند آن. همه این جنبه‌ها در علمای بزرگ اسلام هم‌زیستی دارد، چنان که در قرآن و روح پیامبر(ص) هم‌زیستی داشته است. اما جدا کردن این جنبه‌ها از هم، در دوره صدر اسلام مشکل است؛ چرا که ساختار تأسیسی جامعه آن هنوز قوام نیافته و به وجود نیامده است. هر چند قابل تشخیص است که افراد برجسته صدر اسلام هر یک به کدام بعد از ابعاد گرایش داشته‌اند. ویژگی برجسته ادبیات نیایشی صحیفه، تأکید بر کیفیت شخصی ارتباط خدا و بندگان و محبتش است.

وی ترجمه کتاب صحیفه سجاده را از متن اصلی عربی آن انجام داده است و هنگامی که در تفسیر معنای متن به مشکل بر می‌خورد به تفسیر «علی‌نقی فیض الاسلام» و نیز ترجمه میرزا «ابوالحسن شعرانی» بهره برده است. ترجمه «رسالة‌الحقوق» امام

سجاده(ع) نیز به دنبال ترجمه صحیفه آمده است. این رساله تنها اثری است که به جز دعاها یا گفته‌ها و نامه‌های نسبتاً کوتاه به ایشان منسوب است. این رساله از آن جهت دارای اهمیت است که بسیاری از موضوعات مشابه صحیفه را با سبک و زبانی متفاوت بیان کرده است.

